

تحلیل عوامل و ترفندهای جذب در فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی مهدوی

جواد اسحاقیان درچه^۱

چکیده

از آن‌جا که مهدویت دارای جایگاه بسیار مهم و کلیدی در آموزه‌های اعتقادی و نیز دارای تأثیرات بسیار مهم در مسائل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی است، جریان‌ها و فرقه‌های انحرافی مختلف از همین دریچه با شیوه‌های مختلف و براساس بسترهای متعدد سیاسی، اجتماعی فرهنگی به جذب گروه‌هایی از مردم پرداخته‌اند. در این مقاله با روش توصیفی و تحلیلی و ناظر به مطالعات کتابخانه‌ای و مواجهات میدانی با این جریان‌ها، به مهم‌ترین عوامل جذب در فرقه‌ها در دوره معاصر و نیز بسترهای گرایش مردم به آن‌ها پرداخته شده است. حاصل تحقیق، آن‌که موارد ذیل از مهم‌ترین بسترها و عوامل جذب و گرایش مردم به این فرقه‌ها به حساب می‌آیند: شگردها و ترفندهای معنویت‌گرایانه و شبه معنوی مبتنی بر مهدویت، بهره‌گیری از مسائل و عوامل نفسانی و شهوانی، آموزه‌ها و عقاید التقاطی که احساس معنویت کاذب ایجاد می‌کند، حمایت و پشتیبانی همه‌جانبه حکومت‌های استبدادی و سرویس‌های استعماری و جاسوسی بیگانه برای حفظ منافع خود، بهره‌گیری از بستر جهالت و نیز جعل و تحریف و دست‌کاری در متون روایی و احادیث مهدویت.

واژگان کلیدی: جریان‌های انحرافی، فرقه، مدعیان، مهدویت، نیابت، بابیت، زمینه‌گرایش.

۱. پژوهشگر فرقه‌های انحرافی در مرکز تخصصی مهدویت حوزه علمیه قم، استادیار دانشکده معارف دانشگاه تهران

مقدمه

پابندی به اعتقادات و احکام متناسب با آن، به بستر مناسبی نیاز دارد. بر اساس روایات متعدد یکی از گرفتاری‌های دوران غیبت، ناپابندی به ارزش‌های دینی است. این مسئله ناشی از عواملی است که در سخنان معصومان (علیهم‌السلام) به آن‌ها اشاره شده است. امیرالمومنین می‌فرماید:

سوگند به خدایی که حضرت محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) را به حق برای پیامبری برگزیده و او را بر همه مخلوقات فضیلت و برتری داده است؛ مسئله‌ی ظهور امام عصر واقع نخواهد شد، مگر پس از يك دوره سخت حیرانی و سرگردانی که در آن دوره کسی جز افراد خالص و پاکیزه که یقین را با تمام وجود خود لمس کرده باشند، در پابندی به دین استوار و پابرجا نخواهند ماند. پروردگار عالم از چنین کسانی که با وجود آن همه نابسامانی در دین ثابت قدم اند، برای ولایت ما پیمان گرفته و در دل‌های آنان ایمان را تثبیت کرده و با عنایات خاصی که به آنان دارد مورد تأییدشان قرار داده است.^۱

آن حضرت در روایت دیگر با تشبیهی محسوس، سختی دین‌داری را در دوران غیبت ترسیم می‌کند و می‌فرماید: «صاحب الامر دوره غیبتی دارد که در آن زمان، هرکس که به دین خود چنگ زند و بر آن استوار باشد، همانند کسی است که با دست خود بخواهد بوته‌های خار را بکند.»^۲

امیرالمؤمنین (علیه‌السلام) در روایتی پس از اشاره به سختی‌های دوره غیبت از نظر پابندی به احکام دین، تصریح می‌کنند که همه این پیشامدها به منظور امتحان و آزمایش انسان‌هاست تا میزان پرهیزکاری و ایمان آنان معلوم گردد؛ چراکه به يك تعبیر، هدف از خلقت جهان، امتحان انسان است. آن حضرت می‌فرماید:

«برای صاحب این امر دوره غیبتی است که باید افراد در چنان اوضاعی تقوای الهی را پیشه کنند و به دین و احکام و مقررات آن پابند باشند.» آن‌گاه آیه: ﴿إِنَّمَا حَسِبْتُمْ أَنَّ

تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَاءُ﴾^۳ را تلاوت

۱. صدوق، کمال الدین و تمام النعمه، ص ۳۰۴.

۲. مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۱۱ و ۱۳۵.

۳. بقره: ۲۱۴.

کرد؛ یعنی آیا گمان کردید رودادهایی که برای گذشتگان پیش آمده، بدون این که برای شما پیش آید، داخل بهشت می‌شوید؟ گذشتگانی که آن چنان دچار گرفتاری‌ها و مشکلات شدند که حتی پیامبر و افرادی که به او ایمان آورده بودند، با خود می‌گفتند پس نصرت و یاری خدا چه زمانی فرا خواهد رسید؟ آن‌گاه به آنان گفته شد یاری خدا نزدیک است.»

با این بیان، امام علی علیه السلام تذکر می‌دهد که سنت دایمی خدا، یعنی امتحان بشر در همه زمان‌ها جریان دارد و تمام پیشامدهای دوران غیبت نیز در این زمینه است. یکی از امتحانات دشوار، بروز و ظهور جریان‌های انحرافی است. این جریان‌ها ممکن است از ترفندها و شیوه‌های مختلف استفاده کنند و با بهره برداری از ظرفیت‌های موجود در آخرالزمان و دوره غیبت، زمینه‌گرایی برخی مردم را به خود فراهم کنند. این پیچیدگی‌ها باعث می‌شوند تشخیص انحرافی بودن جریان‌ها دشوار شود و گاهی به دلیل مشابهت‌سازی بین مهدویت اصیل و دعاوی مدعیان، اشخاصی به دلایل مختلف مانند جهل، سادگی، ضعف ایمان و گرایش‌های نفسانی؛ جذب این جریان‌ها شوند. در این مقاله به برخی از بسترها و خاستگاه‌های این گرایش‌ها می‌پردازیم.

معمولاً منابعی که بحث فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی را بررسی می‌کنند، در مقدمات بحث خود به علل و عوامل پیدایش این جریان‌ها پرداختند و گاهی نیز به برخی از زمینه‌های جذب اشاره مختصری داشته‌اند. به عنوان نمونه، ویژه‌نامه کژراهه، تأملی در عرفان‌های دروغین، نشر جام‌جم، صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران، در اسفند ۱۳۸۶ منتشر شده است و نیز برخی کتاب‌ها مانند مهدیان دروغین، از رسول جعفریان (نشر علم ۱۴۰۰)، به زمینه‌های سیاسی اجتماعی توجه کرده و در برخی منابع، به خاستگاه و زمینه‌های انحراف در موضوعات مهدویت پرداخته شده است؛ مانند شناخت، بررسی و نقد کلامی جریان‌های انحرافی مهدویت، حسین حجامی، نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، ۱۳۹۵ و در بخش بررسی جریان‌های نو ظهور نیز برخی نویسندگان مانند حمزه شریفی دوست، اثری با عنوان کاوشی در معنویت‌های نو ظهور: بررسی ده جریان فعال در ایران (نشر معارف ۱۳۹۲) منتشر کرده‌اند که در خلال آن می‌توان برخی از عوامل

رشد این جریان‌ها را شناخت. البته منابعی که در این پیشینه معرفی شده‌اند، به صورت نمونه‌هایی از شاخه‌های مختلف هستند؛ اما در هر صورت این آثار نوعاً بر خود جریان‌ها و نقدشان متمرکز شده‌اند؛ ولی در مقاله حاضر، با بررسی علل و عوامل و خاستگاه‌ها و بسترها در جریان‌های انحرافی، مهم‌ترین بسترهای گرایش برخی از مردم به آنان در چند بخش مختلف بررسی می‌شود. البته با توجه به مواجهه‌هایی که با جریان‌های انحرافی داشته‌ایم و نیز تحقیقات میدانی مرتبط با این مسائل، باید دانست که بیش‌تر ترفندهای جذب در جریان‌های انحرافی مرتبط با عوامل و خاستگاه‌ها و زمینه‌هایی است که در برخی از مردم وجود دارد. لذا مسائلی مانند ترفندها و خاستگاه و زمینه‌ها، هرچند در ظاهر، امور مجزایی محسوب می‌شوند؛ در این بحث ما، یعنی علل و عوامل جذب و گرایش به مدعیان و فرقه‌های انحرافی با هم مرتبط هستند و ارتباطی دوسویه و پیوند دوگانه‌ای دارند. از این رو، ما این مسئله را در قالب چند عنوان مطرح می‌کنیم:

۱. بسترها و خاستگاه‌ها؛

۲. ترفندهای گوناگون جریان‌های انحرافی.

الف) بسترها و خاستگاه کلی گرایش به جریان‌های انحرافی در عرصه فکری

برخی عوامل، مانند گرایش به امور ماورایی مبهم و خرافه‌ها و رواج آن در جامعه، از جمله عوامل فکری است که در عرصه مهدویت و نشانه‌های ظهور، عامل انحراف و نیز جذب مردم به جریان‌های انحرافی می‌شود. چندان‌که بخش عظیمی از کتاب‌ها و آثار چاپی در باب مهدویت و انتظار، به‌رغم آن‌که امکان عقلی مسائل فراطبیعی مرتبط با مهدویت منتفی و مستحیل نیست؛ بستر مناسبی برای خرافه‌سازی ایجاد می‌کنند و عده‌ای داعیه‌دار ملاقات و همنشینی و ملازمت‌های مکرر مهدی (علیه السلام) در خواب و بیداری و دریافت ماموریت از آن بزرگوار هستند. همچنین در دوره‌ای از زمان معاصر، نبود کتاب‌های مهدویت مبنا و انتظار مبنا نیز از معضلات مهم بوده‌اند. اکنون نیز در برخی عرصه‌ها مثل معیارهای تشخیص مهدویت اصیل، مشخص کردن روایات صحیح و معتبر در عرصه مهدوی و ... از مواردی است که باید اهتمام بیش‌تری به آن وجود داشته باشد تا از سردرگمی مردم و در نتیجه گرایش به جریان‌های انحرافی ممانعت به عمل آید؛ زیرا

این جریان‌ها نسخه‌های سهل‌الوصول و در ظاهر نتیجه‌بخش ارائه می‌کنند و عموم مردم، اولین راه حل سهل‌الوصول در موضوعات اعتقادی را بهترین می‌دانند.

خصوصاً که نسل معاصر بالطبع، نسلی است که با مباحث و علوم و اطلاعات سیل‌آسای جهانی مواجه و درگیر است و فرصت تحلیل و بازشناسی عالمانه آن را ندارد. این نسل که مرتب در حال بمباران شدن اطلاعاتی و رسانه‌ای و تبلیغی است نیازمند عرضه علمی - اعتقادی، خردورزانه - ایمانی، گفتمان انتظار و مهدویت است، که در صورت مواجهه با طرح مطالب مهدویت و انتظار به شکل مهجور و یا مخالف با خردورزی طبیعی و یا زبانی ناآشنا با این نسل، آن‌ها را دچار بریدگی از مسئله مهدویت می‌کند و امر انتظار و مهدویت را با ذائقه آن‌ها ناسازگار می‌سازد. برعکس این آسیب، تنزل دادن مهدویت در حد حکومت شبه دموکراسی و یا فرامردن و فراطبیعی و یا ترک سخن گفتن درباره آن و یا پایین آوردن شأن آن است تا به سلیقه‌ها خوش آید؛ که در عرصه اجتماعی موجب پدید آمدن پدیده گسست جریان مهدویت و یا تقلید از مد جامعه خواهد بود. بد معرفی کردن و یا معرفی ناقص انتظار و مهدویت نیز در جای خود بسیار خطرناک است.

تعمیم مصداق‌های مهدویت و التقاط در زمینه مهدویت، نیز از آسیب‌های جدی اجتماعی است که به ظهور فرقه‌های منحرف، چون بابیت، بهائیت، قادیانی‌گری و اسلام بدون مذاهب که اخیراً در کشورهای عربی اوج و رونقی یافته است، می‌شود. این روزها سایت‌های اینترنتی زیادی در جهان، مدعیان مهدویت را با تصاویر و مشخصات معرفی می‌کنند که عدم پاسخ‌گویی به موقع و ناهوشیاری، آفت‌آفرین خواهد بود. فاصله افتادن میان برداشت عامه مردم از مهدی (علیه السلام) با برداشت علمای راستین دین، آسیب بعدی است. میزان این آسیب با تحقیق تجربی، آماری قابل تشخیص است.^۱

البته امروزه مراکز مهدوی متعدد، از جمله مرکز تخصصی مهدویت و گروه‌های مختلف علمی آن به پالایش و تصحیح بسیاری از مسائل انحرافی پرداخته‌اند و پایان نامه‌های متعددی در این موضوع در سطح ۳ و ۴ حوزه علمیه و نیز ارشد و دکتری دانشگاه‌های برتر، مانند دانشگاه تهران، در این مورد موجود است و نگارنده این مقاله که در جریان هدایت برخی از این پایان نامه‌ها بوده

۱. برهانی، نشست ۵۹ بررسی خلق و خوی مدعیان.

است، روند رو به رشدی در زمینه رفع گره‌های ذهنی مردم در موضوعات مهدویت، مشاهده می‌کند؛ اما مشکل آن است که به موازات این مسیر، جریان‌های انحرافی نیز با سرعت هرچه تمام و خصوصاً در فضای رسانه‌ای و مجازی به نشر آثار و تلاش در زمینه جذب نسل جوان می‌پردازند که برخی از نمونه‌های اخیر، در این مقاله مورد توجه قرار گرفته است.

ب) ترفندهای جریان انحرافی

یکی از عوامل و زمینه‌های مهم جذب برخی از مردم به جریان‌های انحرافی، ترفندهایی است که آنان برای گروه‌های مختلف مردمی استفاده می‌کنند.

قرآن کریم حرکت گروه‌های باطل را به همین دریا و جوش و خروش آن تشبیه می‌کند:

خداوند از آسمان آبی نازل فرمود و از هر درّه بزرگ و کوچکی به اندازه گنجایش آن سیلابی روان شد و سپس سیل بر روی خود کفی چرخنده حمل کرد و بعضی از چیزها که برای ساختن زیور یا ابزار در آتش می‌گذازند نیز کفی مانند آن دارد. این چنین خدا حق و باطل را مثل می‌زند و اما کف کنار می‌رود و محو می‌گردد؛ ولی آنچه به مردم سود می‌بخشد در زمین می‌ماند، خداوند چنین مثل‌هایی می‌زند.^۱

برخی از مهم‌ترین این ترفندها عبارتند از:

۱. ترفند نسبت و ارتباط:

در بسیاری از فرقه‌های انحرافی به نام این‌که افرادی از خاندان اهل بیت در رأس آن فرقه هستند و با مطالبی از این دست، برخی از مردم را می‌فریفتند.

• نمونه: در اعترافات یکی از مدعیان سالیان اخیر به نام کاظمینی بروجردی چنین آمده است:

من تقویم چاپ می‌کردم؛ عکس مرقد حضرت امام کاظم را می‌گذاشتم کنار مقبره پدر و پدربزرگم و پدرش که در بروجرد مدفون‌اند. به عنوان کاظمی بروجردی می‌خواستم یک

۱. ﴿أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أَوْدِيَهُ بِقَدَرِهَا فَاخْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حُلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزُّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ﴾ رعد:

جوری تبلیغ کنم، بعد آن‌ها را برسونم به اجدادم، یا مثلاً فرزند ۲۷ امام سجاد (علیه السلام) بودم را توی تیراژ وسیعه با عکس‌های خودم چاپ کردم؛ بعد گفتم ببرند توی دهات‌ها و شهرستان‌ها طوری شده بود که وقتی می‌گفتند فلانی این‌جا برنامه داره، جمعیت فوج فوج می‌آمدند.^۱

روشن است که نسبت و ارتباط خاص یک شخص با خاندان اهل بیت عصمت و طهارت (علیهم السلام)، موجب توجه گروهی از مردم به دعاوی افراد بوده است.

۲. ترفند تضعیف در معیارهای ارزشی و تشویق به عافیت طلبی

در بسیاری از گروه‌ها و فرقه‌های انحرافی، معیارهای عقلانی تضعیف می‌شود و مردم به جای تحلیل عقلی در شناختن حقایق، به معیارهای سست و غیر منطقی ارجاع داده می‌شوند. در این صورت، اشخاصی که از تقیدات و قوانین گریزانند و به دنبال نوعی ولنگاری و عافیت طلبی هستند، با گرایش به این جریان‌ها به زعم خود، ضمن حفظ اعتقاد و دیانت به اغراض خود نیز می‌رسند.

• نمونه‌ها

در احکام و شیوه‌های رفتاری باییت و بهابیت، رفع محدودیت‌ها و حرام‌های شرعی اسلام مطرح می‌شود و این که زمان فترت و رفع تکالیف آمده و تمام این‌ها را به اصطلاح به دلیل ظهور امام زمان (علیه السلام) منتسب دانسته‌اند که تغییرات ایجاد شده است و حتی در مواردی اشتراک نوامیس و اموال را مطرح نموده و به آن عمل کرده‌اند.^۲

۳. ترفند آمیختن حق و باطل در فرقه‌ها

در جریان تعلیماتی که فرقه‌ها دارند، معمولاً مباحثی از ادیان با مطالب انحرافی در هم آمیخته می‌شود. این آمیختگی باعث می‌شود در برخی از موارد، اشخاص تصور کنند حقایق و مطالب علمی و کارآمد در آموزه‌های جریان انحرافی نمایان شده و از این رو، بر اساس این باور که دستورالعمل‌های جریان‌های انحرافی روز آمد و کاربردی است؛ به آن گرایش پیدا می‌کنند.

۱. اسحاقیان، پیچک انحراف، ص ۱۵۵.

۲. اعتضاد السلطنه، فتنه باب، ص ۵۰.

• **نمونه:** در عرفان حلقه (کیهانی) آیات قرآن، مانند ﴿إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ﴾ را بیان می‌کنند و با توجه به مبانی فکری خود (که استادان یا مسترها را تنها عامل دریافت فیوض ربانی می‌دانند)، توسل به اهل بیت و استفاده از حرزها و ادعیه را نوعی تمسک به تشعشعات منفی و نیز آیات قرآن در مورد شیطان را نشانه بقای جریان باطل تا آخرالزمان می‌دانند و غلبه حق در دوران ظهور را انکار می‌کنند! و بر این اساس مدعی می‌شوند که در عرفان حلقه (کیهانی) هدف اصلی، «ایجاد آشتی بین دنیای مذهب، عرفان و علم و نیز رفع سوء تفاهم‌های موجود بین آن‌ها بوده است.^۱ قابل توجه آن‌که در جریان عرفان کیهانی علاوه بر آن‌که مباحث مطرح شده به نوعی فرضیه رقیبی در مقابل حجیت حجت معصوم الهی و واسطه فیض است، در مورد استادان حلقه‌های خود هم مدعی مقامات بلند و عرفانی هستند، ضمناً مسئله انسان کامل و آموزه و وعده تحقق جامعه جهانی پر از عدل که با مهدویت ارتباط تام دارد، در گفتارهای عرفان حلقه مورد تحریف قرار گرفته است. لذا صدر و ذیل مسائل مطرح شده در عرفان حلقه و فرآیند آن با اشکال مختلف نسبت به مسئله امامت و مهدویت دارای تعارض و چالش‌های جدی است که البته این موضوع باید در نوشتار مستقلی مورد بررسی قرار بگیرد. در جریان احمد الحسن نیز از آیات و روایات به منظور اهداف و ادعاهای باطل خود استفاده می‌کنند و حتی گاهی فرضیه‌های علمی، مانند جهان‌های موازی را در تحلیل مباحث دینی و شیوه زندگی اولیا و انبیا به کار می‌گیرند^۲ و در برخی موارد به توضیح و تحلیل مسائلی مانند

۱. طاهری، عرفان کیهانی، ص ۱۳۷.

۲. تطابق کلام اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) با نظریه‌های علم حدیث و علم مدرن، احد اسماعیل بصری، ۱۴ اسفند ۱۳۹۷، سایت رسمی وارثین ملکوت:

<https://varesin.org/%d9%86%d8%b8%d8%b1-%d8%b3%db%8c%d8%af-%d8%a7%d8%ad%d9%85%d8%af-%d8%a7%d9%84%d8%ad%d8%b3%d9%86-%d8%ac%d9%87%d8%a7%d9%86%d9%87%d8%a7%db%8c-%d9%85%d9%88%d8%a7%d8%b2%db%8c/>

ژنتیک و تکامل پرداخته و سعی می‌کند بدین وسیله خود را مدافع دین و آشتی دهنده علوم تجربی و مسائل اعتقادی جلوه دهد.^۱

۴. ادعای اعجاز و تحدی در برابر دشمنان

این ادعاها به دلیل آن که به صورت رسانه‌ای و گسترده منتشر می‌شود، نوعاً نفی و رد آن به سادگی نیست و قبل از آن که به درستی تحلیل و نقد شود، برای بخشی از مردم، نوعی حجیت و اقناع ایجاد می‌کند که سران فلان جریان انحرافی، به عالم غیب متصل و موید هستند و چنین باوری حداقل باعث می‌شود این گروه از مردم به سادگی با این جریان‌ها برخورد نکنند و ترس پنهانی در مقابله با آن داشته باشند و در موارد متعددی هم باعث گرایش آن‌ها به فرقه‌ها شده است.

• نمونه: موارد متعددی در فرقه‌ها وجود دارد که ادعای توانایی مناظره و یا حتی مباحثه داشته‌اند و در رسانه‌ها مدعی شده‌اند که مخالفان به مقابله در این میدان حاضر نشده‌اند و یا مخالفان آن‌ها پس از مناظره‌ها به درد و مشکلات مختلف گرفتار شده‌اند. به عنوان نمونه، مدعی امامت با نام امام محمد ناصر الیمان، مدعی می‌شود که حوادث خاص جهانی مانند افزایش دمای شدید در تابستان ۱۴۰۲ شمسی، هشدار الاهی برای عذاب است که امام محمد ناصر الیمانی غیب‌گویی کرده است و باید دعوت وی را قبول کنند تا نجات یابند و تکذیب ناصر الیمانی تکذیب خداست.^۲

• در فرقه بهائیت نیز در مورد مخالفان و مستبصران از این ادعاها شده است؛ در حالی که عموماً کسی این ادعاها را پیگیری نکرده و مستنداتی ارائه نشده است.

۱. دلایل ژنتیکی تکامل، احمد اسماعیل بصری، پیام فیسبوک احمد الحسن، ۲۸ فوریه ۲۰۱۴؛ منتشر در سایت رسمی احمد الحسن در تاریخ سه شنبه ۱۸ مهر ۱۴۰۲:

<https://almahdyoon.co/%d8%af%d9%84%d8%a7%db%8c%d9%84->

[/da%98%d9%86%d8%aa%db%8c%da%a9%db%8c%d9%90-%d8%aa%da%a9%d8%a7%d9%85%d9%84/](https://www.youtube.com/channel/UCBn2LWle9_nqyJesG7P4_Xw)

۲. راز افزایش دما، امام مهدی ناصر محمد الیمانی، کانال رسمی در یوتیوب:

https://www.youtube.com/channel/UCBn2LWle9_nqyJesG7P4_Xw

- در این جا نمونه‌های از مدعیان اخیر را مطرح می‌کنیم:

در جریان فرقه قادیانی، غلام احمد قادیانی ادعا می‌کرد که از طرف خدا مامویت دارد و مخالفانش به شکل غیر طبیعی کشته خواهند شد و نیز شفای بیماران مبتلا به بیماری‌های صعب‌العلاج و فراگیر را مدعی بوده است. گاهی نیز در مورد آینده و سرنوشت مرگ و زندگی مخالفان خود وعده داده که آن را نشان دهنده حقانیت دعاوی خود دانسته است.^۱ البته این وعده‌ها، محقق نشد.

از سوی دیگر، از شگردهای مدعیان در هر ادعای دروغین، آن است که با استفاده از عناوین و عبارات مشهور بین مردم - که از متون دینی آن‌ها برآمده است - ادعاهای خود را به شکل حقیقی و غیر قابل انکار جلوه می‌دهند که عدم تبعیت از آن‌ها عواقبی جبران‌ناپذیر برای مردم دارد. روشن است که اگر استدلال و بحث منطقی در میان باشد، مدعیان شکست خواهند خورد؛ ولی این قالب ارائه مطلب، اذهان را از استدلال دور کرده، و باعث شده است آن را بدیهی بشمرند و از این‌رو است که حتی جان خود را در راه آن عقاید فدا می‌کنند.^۲

در مورد قادیانیه نیز این روش وجود دارد، که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم: غلام احمد قادیانی در مورد ایمان به خود می‌گوید: «الذی لا یومن بی لا یومن بالله و رسوله؛^۳ هرکس به من ایمان نیاورد، به خدا و رسول ایمان نیاورده است.»

پسر غلام احمد که عنوان خلافت او را دارد، در پاسخ به فردی که استدلال او را در تکفیر مخالفان قادیانیه، درخواست کرد، چنین می‌گوید:^۴

«پس هرکس انکار کند که غلام احمد، پیامبر خدا و رسول اوست؛ همانا به نص کتاب [قرآن] کافر شده است. لذا ما مسلمانان را کافر می‌دانیم؛ زیرا آن‌ها بین پیامبران فرق می‌گذارند و به عده‌ای ایمان می‌آورند و به عده‌ای کافر می‌شوند.»

۱. الهی ظهیر، قادیانیه، ص ۶۷ به بعد.

۲. از جمله مقاومت‌های عجیب پیروان بابیه در برابر حرکت مردم مسلمان و حکومت قاجار را می‌توان ذکر کرد که در کتاب‌های بابیه و تاریخ قاجار آمده است. (ر.ک: فتنه‌ی باب، محاکمه و بررسی باب بهاء، م. مصطفوی).

۳. القادیانیه، دراسات و تحلیل، ص ۳۷.

۴. الفضل، جریده القادیانیه، الصادرة فی ۲۶ یونیو ۹۲۲ م.

مشاهده می‌شود که این آیات قرآنی که نسبت به اهل کتاب صادر شده و آن‌ها را به دلیل عمل کردن به بخشی از کتاب خود، سرزنش کرده است؛ دستاویز قادیانیه واقع گردیده و آن‌ها این معنا را القا می‌کنند که باید بر اساس قرآن به پیامبران بعدی ایمان آورید. نمونه دیگر آن که وی ادعا کرده است:

مراد خدای متعال از آیه ﴿وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدُ﴾^۱، خود غلام احمد است که نام احمد دارد و وحی هم به چند زبان فارسی، عربی، اردو و انگلیسی بر او نازل می‌شود.^۲

یکی از مواردی که توسط مدعی حقیقی نشان داده می‌شود، تأیید و امداد الهی است؛ ولی مدعیان دروغین با فریب، این مطلب را ادعا می‌کنند. مهدی سودانی در یکی از آثارش می‌نگارد: «سید وجود علیه السلام به من خبر داد: من مهدی منتظرم. پیامبر چندین بار مرا بر کرسی اش نشانده و خلفای چهارگانه [= ابو بکر، عمر، عثمان و امام علی] و قطب‌ها [= دراویش] و خضر علیه السلام حضور داشتند و مرا با ملائکه مقرب و اولیای زنده و مرده از فرزندان آدم تا زمان کنونی، و جئیان مومن، تأیید و یاری کرد. هنگام جنگ، سید وجود علیه السلام به عنوان امام و فرمانده سپاه حاضر می‌شود؛ نیز خلفای چهارگانه و قطب‌ها و خضر حاضرند. از این رو، یارانم ثابت قدم می‌شوند و در دل دشمنانم، ترس افکنده می‌شود، و هرکه با من دشمنی کند، خداوند خوارش می‌کند. پس هرکه به راستی سعادت مند باشد، می‌پذیرد من مهدی منتظرم. سید وجود علیه السلام سه بار به من خبر داد: آن‌که در مهدویت تو شک کند، به خدا و رسول کافر شده است.»^۳

وی در نامه‌ای دیگر می‌گوید:

۱. صف: ۶.

۲. العاملی، القادیانیه، الغدیر، ص ۲۲ و ۲۳.

۳. سودانی، آثار الکامله للإمام السودانی، ج ۱، ص ۱۳۹-۱۴۹؛ به نقل از: مهدی منتظر؛ سیر تاریخی و نشان ظهور زمان و سعاده المهدی بسیره الامام المهدی.

اگر من نوری از جانب خدا نداشتم و رسول الله ﷺ تأییدم نکرده بود، توان کاری را نداشتم و روا نبود برایتان سخنی بگویم. باید بدانید جز به دستور پیامبر یا فرشته الهام که از طرف پیامبر اجازه دارد، کاری نمی‌کنم.^۱

محتوای نامه‌ها نشان می‌دهد که دلیل مهدی سودانی بر ادعای مهدویت، فقط گفتارهایی بی‌اساس است و هیچ دلیلی در تأیید وی یافت نمی‌شود؛ حتی پیروزی وی - که ادعا داشت با امداد الهی پشتیبانی می‌شود - تحقق نیافت.

در واقع مسئله آن است که در مورد انبیای الهی و ادیان حقیقی و خصوصاً دین اسلام و کتاب مقدس قرآن کریم که تحدی و اعجاز در آن ادعا شده است؛ صاحب دین و یا پیامبر ازسوی خداوند، مدعیان دیگر را به هم‌وردی دعوت می‌کند و این از راه‌های مختلف واقع می‌شود، مانند خبرهای غیبی که صد درصد در زمان خود واقع می‌شوند و یا کمک‌هایی از عالم غیب به شکل اعجاز که مثلاً پیروزی در برابر دشمنان یک نمونه آن است؛ به گونه‌ای که از طریق عادی و بشری و محاسبات رایج اقتصادی و سیاسی و نظامی چنین فتح و پیروزی غیرممکن می‌نماید؛ اما در جریان‌های انحرافی، مانند سودانی دعاوی بی‌کیفیتی که نام‌برده شد، دارای اشکالات متعدد است:

اول، به گواهی تاریخ این‌که ادعاهای مطرح شده، واقع نشده‌اند، یا به اشکال دیگر اتفاق افتاده‌اند؛ دوم آن‌که آن وقایع، حالت اعجاز ندارند و فاقد وجه شرعی و دینی‌اند و برای هر شخص مدعی و غیر مدعی وقوع چنین حوادثی ممکن است؛ سوم و مهم‌تر از همه آن‌که تناقضات متعددی در نوع ادعا و گفتار آن‌ها و وقایع خارجی وجود دارد؛ به گونه‌ای که در موارد مختلف مجبور شده‌اند بخشی از آن ادعاها را از متن آثار و نوشته‌های خود حذف کنند.

مثلاً در بهائیت ادعا شد، نمازهای سه‌گانه بر حسینعلی نوری، مؤسس بهائیت نازل گردیده‌اند؛ اما چون متن نمازها گم شد و در دسترس نبود، بعدها به صورت کذب مطرح شد که آن نماز از عهده بندگان الهی برداشته شده است. عبدالحسین آیتی، که شخصیتی مبلغ و نویسنده و متفکر در بهائیت است از سال‌ها برای بهائیت خدمت علمی و عملی انجام داده است، بعدها از این فرقه

۱. همان، ج ۵، ص ۹۴.

برگشت و تناقضات و مسائل اختلافی آنان را افشا کرد که مجموعه‌ای از این‌ها در کتابی به نام کشف الحیل ذکر شده است.

۵. ترفند شعارهای جذاب و ظاهر فریب

موارد مختلفی وجود دارند که توسط مدعیان بیان می‌شوند و شعارهای به اصطلاح جهانی و صلح طلبانه و عام المنفعه را شامل می‌شوند؛ در حالی که در واقعیت آن فرقه‌ها چنین اموری محقق نشده است. به عنوان نمونه:

* رهبر فرقه اسماعیلیه (کریم آقاخان) شعارهایی مطرح کرده است که حفظ میراث فرهنگی و دفاع از طبیعت و صلح از این نمونه است^۱ و در عین حال چنین شعارهای عوام پسند در عمل نتیجه‌ای نداشته است جز افزایش ثروت و منافع شخصی برای سران این جریان و در عمل نیز برای تحقق صلح یا بهبود اوضاع زیستی جهان قدمی برنداشته‌اند.

* در بهائیت، تعالیم و اصول دوازده‌گانه‌ای، تدوین شده که صلح جهانی و آزادی شناخت و انتخاب راه حق (تحرری حقیقت) و به اصطلاح، زبان بین‌المللی (که عملاً محقق نشد) از این دست شعارها و تعالیم هستند. همچنین مرکز جهانی بهائیت، موسوم به «بیت العدل اعظم»، پیام‌های رسمی متعددی منتشر می‌کند؛ از جمله برای مشارکت در گفت‌وگو بین‌المللی، در مورد صلح، در سال ۱۳۶۴ شمسی / ۱۹۸۵ میلادی پیامی خطاب به مردمان سراسر جهان صادر کرد و یا در سال ۱۳۸۱ شمسی / ۲۰۰۲ میلادی در پاسخ به موج رو به افزایش تعصبات دینی، در نامه‌ای، رهبران ادیان جهان را مورد خطاب قرار داده و خواستار گفت‌وگویی جدید درباره جنبش‌های همکاری بین ادیان شده است.^۲

1. https://fa.wikipedia.org/wiki/%D8%A9%D8%B1%DB%8C%D9%85_%D8%A2%D9%82%D8%A7%D8%AE%D8%A7%D9%86#cite_note-36

۲. مختصری از تاریخ آئین بهائی، بیت العدل اعظم، سایت رسمی بهاییان ایران،

https://www.bahaisofiran.org/%D8%A8%DB%8C%D8%AA_%D8%A7%D9%84%D8%B9%D8%AF%D9%84_%D8%A7%D8%B9%D8%B8%D9%85/#promiseofworldpeace

*تشابه کامل حقوق زن و مرد (فیمینیستی) نیز یکی از شعارهای ادعایی برخی فرقه‌هاست. البته در ظاهر، رفتار و عملکرد بسیاری از فرقه‌ها به گونه‌ای است که نقش ظاهری و نمایشی زنان در فرقه تقویت می‌شود.

۶. ترفند تفسیر علم نما از متون دینی و مهدوی

یکی از ترفندهای جریان‌های مدعی، این است که با ترکیبی از مباحث علوم تجربی و نصوص دینی چنین القا می‌کنند که فیوض معنوی از طریقی که فرقه آن‌ها را تبیین و ارائه می‌کند، در بستر همین عالم مادی به پیروان و همراهان آن‌ها می‌رسد. یکی از این موارد «عرفان حلقه» است. محمد علی طاهری، رییس عرفان حلقه، معتقد است خداوند قدرت خود را به «شبکه شعور کیهانی» تفویض کرده است؛ خداوند سایه‌هایی دارد؛ هر یک از سایه‌ها صورتی از خدا است و این جهان نیز سایه‌ای بیش نیست و حقیقت وجودی ندارد.

فرقه عرفان حلقه توسط محمد علی طاهری از اواسط دهه ۱۳۷۰ شمسی تاسیس شد و فعالیت خود را در حوزه عرفانی و درمانی آغاز کرد و این فعالیت‌ها در میانه دهه ۱۳۸۰ به اوج خود رسید و اکنون نیز فعال است. طاهری بحث فرا درمانی و اصطلاح خود ساخته «سایمنتولوژی» را کرامت خود در مکتب عرفانی‌اش دانسته و همگان را به تجربه در این مورد دعوت می‌کند؛ تجربه‌ای که شرط آن تسلیم بودن و شاهد بودن است و هدف از آن اتصال به شبکه شعور کیهانی یا همان «روح القدس» است. وی اولاً، ادعا می‌کند که تمام این مباحث به او وحی شده و الهاماتی است که از سوی خداوند به وی صورت پذیرفته و این مباحث را از جایی اقتباس نکرده است.

ثانیاً، او درصدد بیان عرفان اصیل ایرانی-اسلامی است؛

از نظر طاهری این جهان، سایه^۱ و مجازی است و تنها عامل «حرکت» است که ما را به اشتباه واداشته تا آن را حقیقی تلقی کنیم. بنابراین، جهان هستی، حقیقت وجودی ندارد. طاهری این عقیده را در کتاب «انسان از منظری دیگر و فرا درمانی» به طور مبسوط شرح داده و با نمایش حرکت الکترون‌ها به دور هسته در اتم، به اثبات جهان مجازی می‌پردازد.^۱ طاهری با اثبات مجازی بودن و در حرکت بودن جهان، بر نیاز به محرک و عامل جهت دهنده داشتن آن تاکید

۱. طاهری، انسان از منظری دیگر، ص ۲۰.

می‌کند که این عامل، آگاهی و یا هوشمندی حاکم بر جهان هستی یا همان «شبکه شعور کیهانی» است.^۱ با مجازی دانستن عالم، طبق آنچه در اندیشه طاهری است، دیگر مجالی برای خداشناسی حقیقی باقی نمی‌ماند. البته طاهری مطابق روش خاص خود، ابراز می‌دارد که نظریه او بر اساس نظریات جدید فیزیک کوانتوم است؛ اما دعاوی وی به موضوع ربطی ندارد؛ ضمن آن که در تفسیر علمی از متون دینی دچار تفسیر به رای شده است. نگارنده در کتاب «اشباح انحراف» به نقد تفسیرهای انحرافی عرفان حلقه در موضوع مهدویت پرداخته است.

عرفان کیهانی (حلقه)، مدعی است که شعور الهی را به طور نظری و عملی ثابت کرده است و از این راه وجود صاحب این هوشمندی، یعنی خداوند را به اثبات می‌رساند و در واقع این عرفان، به خداشناسی عملی منجر می‌گردد.^۲

بسیاری از مادی‌گرایان ملحد نیز «شعور کیهانی» را می‌پذیرند و معتقدند که ماده در عرفان حلقه تعبیر روح القدس یا جبرئیل برای شبکه شعور کیهانی بیان می‌شود؛ اما تعبیری که صورت می‌گیرد، تعبیری کاملاً مادی است. طاهری معتقد است ملائکه همان قوانین موجود در عالم طبیعت هستند. نظیر این نگرش و اتصال به قوانین در تعالیم ریکی (انرژی درمانی ژاپنی) نیز وجود دارد. عرفان حلقه، اساس کار خود را بر اتصال با شعور کیهانی می‌داند و از حلقه‌های رحمانیت عام به این شبکه، هوشمندی الهی و حلقه‌های وحدت نیز تعبیر می‌کند. در حقیقت، شبکه شعور، همان هوش و خرد حاکم بر جهان هستی است، چرا که جهان هستی، متشکل از انرژی و آگاهی معرفی می‌شود که همین آگاهی و شعور کیهانی، جهان را به حرکت وا می‌دارد و از سوی دیگر، گفته می‌شود، آگاهی، میل درونی است که هر ذره را به رقص و حرکت در می‌آورد. به عبارت دیگر، شبکه شعور کیهانی مجموعه هوش، خرد و یا شعور حاکم بر جهان هستی است که به آن، «آگاهی» نیز گفته می‌شود و یکی از سه عنصر موجود در جهان هستی است. سه عنصر مذکور عبارت است از «ماده»، «انرژی» و «آگاهی»^۳. مشاهده می‌شود که در دعاوی جریان عرفان حلقه، مجموعه گزاره‌های علم نما و التقاطی، به همراه مباحث رمز آلود عرفانی و در عین حال سهل الوصول برای

۱. همان ص ۲۷.

۲. همان، عرفان کیهانی، ص ۵۸.

۳. طاهری، انسان از منظری دیگر، ص ۶۷.

همه ارائه می‌شود و نشر گسترده این مباحث در رسانه‌ها و فضای مجازی و شعبه‌های مختلف آن در کشور باعث شد که حتی بخشی از جامعه دانشگاهی جذب این جریان شود که نگارنده در مرکز مهدویت، با این گونه افراد مواجهه‌هایی داشته و تأثیرات این شگردها را ثبت کرده است.^۱

ج. نقش سازمان و ساختار، القاب و عناوین در جذب اشخاص

در سازمان‌ها و تشکیلات فرقه‌ای با اعطای القاب و عناوین کاذب به افراد و پیروان، سعی دارند نوعی احساس شخصیت کاذب به آنان و وجود انضباط و برنامه ریزی را القا کنند تا محتوای باطل خود را بپوشانند.

در فرقه بابیه عناوینی مانند باب، باب‌الباب، حضرت خال (دایی علی محمد باب!) از این دست هستند.

در یکی از گروه‌های انحرافی مربوط به مهدویت، با برگزاری امتحانات شفاهی و کتبی و تشکیل پرونده، به افراد خود القا می‌کردند که مثلاً شما مراحل عرفانی (یقین و فنا و ...) را طی کرده‌اید. در عرفان حلقه، اعطای عنوان مسترها (استادان خاص) که در واقع واسطه فیوض ربانی بوده‌اند نیز از این نمونه است.

موارد متعددی از جذب با استفاده از القاب و عناوین و ایجاد روحانیت کاذب و احساس معنویت ثبت شده است.^۲

با دقت در تاریخچه مدعیان قبلی و نیز تحقیق میدانی روشن می‌شود که احساس معنویت کاذب و مقام‌های معنوی صوری و تخیلی و نیز دریافت القاب و عناوین، عامل جذب پیروان، یا ادامه فعالیت آن‌ها در خدمت فرقه‌ها و مدعیان بوده است. همین عامل در جریان «الف. و» دیده می‌شود. در این جا به برخی از خطاب‌ها و القابی که وی درباره یاران خاص خود و نیز خطاب به شاگردان و اهل محفل خویش به کار می‌برد؛ اشاره می‌شود:

۱. این تحقیقات در دهه هشتاد در مرکز مهدویت انجام شده و در آرشیو نقد جریان‌های انحرافی موجود است.

۲. جلسه اول، شنبه ۶ ماه رمضان ۱۴۲۶، ۱۰ آبان ۱۳۸۲، ساعت ۹/۲۵؛ به نقل از جزوه دوم شاگردان سابق وی، با عنوان آگاهی از رهبریت مستتر، ص ۱۳.

- خطاب به خانم «الف» و متعلمان او: حتما خواهر گرامی و افتخار اسلام! عارفه جلیل القدر! خانم الف عظمت این را فرموده‌اند. ای سالکه پاکدل؛ ای مربی گرامی مکتب مولا! که مدتی است در مقام تسلیم و رضا طالبین حقیقی را تحت تعالیم خود گرفته‌اید! شما خود یکی از ستارگان درخشان آسمان حقیقتید... قربان شما [!]. شما زهرای زمانید [!].^۱

... این خواهر گرامی، نور دیده ما است؛ یگانه عزیز ماست.^۲

خطاب به خانم م [از شاگردان برجسته او] و متعلمان او: هزاران درود بر همای مناعت و استاد معظّمه قافله سالار متعلمان مکتب مولا!^۳

... استاد معظّمه؛ ای نور دیده‌ها؛ ای شهدای زنده! جانم فدای شما! به خدا اگر اجازه بدهید شما مقدسید...^۴

- [خطاب به متعلمان خانم الف] ای زائرین حقیقی کعبه جانان! ...

طیب این جاست؛ کجا می‌روید؟ ... امروز شما به سرچشمه آب حیات رسیده‌اید؛ از این آب حیات بخورید.^۵

د. اوضاع اقتصادی و اجتماعی

هرچند مسائل اقتصادی به صورت مستقل، عامل اصلی گرایش به آیین و فرقه‌ای نمی‌شود؛ نوعاً در کنار عوامل دیگر تاثیر گذار است و مناسبات و معضلات اجتماعی نیز از این دست است. البته برخی محققان، این عامل را با توجه به قرائن تاریخی، از جمله عوامل تاثیر گذار و تعیین کننده دانسته‌اند. این استدلال بدین شرح است که در متون دینی عامل اقتصادی دارای اهمیت خاص است؛ از جمله:

۱. جلسه دوم، دوشنبه ۲۶ ذی قعدة ۱۴۲۴ هجری، ۲۹ دی ۱۳۸۲، ۹ صبح.

۲. همان.

۳. جشن نیمه شعبان، ساعت ۱۱/۳۰، تاریخ ۱۳۸۴/۶/۲۹.

۴. همان.

۵. جلسه هفتم، شنبه ۲۶ شعبان ۱۴۲۶، ۹ مهر ۱۳۸۴ ساعت ۱۰/۵.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) درباره فقر در کارایی ذهن می‌فرماید: «الفقر يُخرِسُ الفطنَ عَن حَجتِهِ»^۱ تهیدستی، مرد زیرک را در برهان گنگ می‌کند. «آیا با چنین دل مشغولی می‌توان از چنین شخصی انتظار داشت در زندگی روزمره خود، سهم لازم دینداری را بپردازد و خود را برابر اندیشه و نظرهای التقاطی حفظ کند؟! نیز آمده است: «فقر زمینه ساز کفر است.»^۲ تأملی در قیام فاطمیان که با ادعاهای مهدویت «عبیدالله المهدی» همراه بود و همچنین قیام و ادعای مهدویت «مهدی سودانی» در شمال آفریقا، ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی و فقر شدید مردم، بستر مناسبی برای طرح این گونه ادعاها و گرایش شدید مردم به این ادعاها فراهم می‌کند. در اواخر قرن سوم و همزمان با قیام فاطمیان، مردم مغرب و افریقاییه از نظر اقتصادی از وضعیت مطلوبی برخوردار نبودند و این بحران‌های اقتصادی، جامعه افریقاییه و مغرب را دستخوش تغییر کرد.^۳

اوضاع نابسامان نظام سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران در دوران قاجار نیز بستر اجتماعی مناسبی برای ظهور بایبه فراهم کرد. این اوضاع، در یک نگرش کلی عبارت بود از:

- الف) انحطاط نظام سیاسی ایران؛
- ب) فساد زاید الوصف حکومت و نخبگان سیاسی؛
- ج) رقابت استعمار برای کسب منافع ملی مردم ایران؛
- د) اعطای امتیازات گوناگون به بیگانگان و غارت ذخایر ملی؛^۴
- ه) فقر عمومی و بی‌سوادگی گسترده.^۵

و) حمایت و پشتیبانی مراکز استعماری و استبدادی

۱. سید رضی، نهج البلاغه امیرالمؤمنین، ج ۳.
 ۲. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۳۰۷.
 ۳. چلونگر، خاور شناسان و نگاه تاریخی گری، ص ۲۲۱.
 ۴. کاتوزیان، اقتصاد ساسی ایران، ص ۶۷.
 ۵. عرفان، بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت، ص ۴۵.

مسلم است که جریان‌های انحرافی در جنبه مبانی و آموزه‌های خود دچار تناقض و ضعف شدید هستند و لذا لازم است به منظور پوشاندن و پوشش دادن این نواقص به مسائل دیگر متوسل شوند. حمایت‌های سیاسی، اقتصادی و بین‌المللی از آن‌ها می‌تواند نوعی مصونیت به پیروانشان بدهد و تبلیغات ظاهری و خیره‌کننده آن‌ها را رونق دهد. این مسئله برای گروهی از مردم که این دنیای پرهیاهو و سرشار از مشکلات و کمبودها را ملاحظه می‌کنند، می‌تواند نوعی انگیزه ایجاد کند تا به جریانی بپیوندند که هم در ظاهر به تامین نیازهای معنوی آن‌ها می‌پردازد و هم در سایه حمایت‌های کانون‌های قدرت و ثروت به نوعی حاشیه امن و امکانات دست می‌یابد. البته در عمل، این نتایج نصیب رهبران و سران فرقه‌ها و حد اکثر سلبریتی‌های حامی فرقه‌ها می‌شود و افراد گرایش یافته عادی، بهره‌چندانی نمی‌برند و نوعاً قربانی اهداف فرقه می‌شوند.^۱

در مورد نقش کانون‌های قدرت و گمراهی در مسیر ایجاد و رشد جریان‌های انحرافی، متون دینی رهنمودها و تذکراتی داشته‌اند؛ از جمله قرآن کریم، دشمن اصلی پیامبران و راه حق را سردمداران کفر و اطرافیان‌شان می‌داند و از آنان به عنوان «مترفین» (غرق شده در لذایذ مادی) و «ملاً» (سران و بزرگان قوم) یاد می‌کند.^۲

کفر و استکبار، صفت اصلی این دشمنان بوده است.^۳ این به عنوان رویه همیشگی آنان در تاریخ مورد تأکید قرار گرفته است و به زمان صدر اسلام محدود نبوده و نیست. در مورد فرقه‌های بابیت و بهابیت نیز این‌گونه است، که نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

۱. منوچهر خان گرجی (معتمد الدوله) که در ظاهر مسلمان شد؛ اعتماد دربار قاجار را کسب کرد و استاندار اصفهان شد؛ ولی در واقع وابستگی خود به مسیحیت و نیز روسیه را حفظ کرده بود. لذا از مبلغان علی محمد باب به گرمی استقبال کرد و خود مرام آنان را تبلیغ می‌کرد. حتی عده‌ای را فرستاد تا باب را از زندان آزاد کنند و به اصفهان بیاورند.^۴ وی همچنین قصد داشت که محمد شاه

۱. مؤلف این نوشتار، این مسئله را در قالب تحقیقات مستمر در مرکز مهدویت، در مواجهه دو دهه با این جریان‌ها به صورت میدانی مشاهده کرده است.

۲. سبأ: ۳۴؛ زخرف: ۲۳.

۳. رک: اعراف: ۶۶، ۷۵، ۷۶ و ۸۸ و ۹۰.

۴. فرید گلپایگانی، مفتاح باب‌الابواب، ص ۹۳ به بعد.

- را به باییت بکشاند^۱ و با نزدیک شدن به محمد شاه در عزل و نصب به نفع باییت اقدام و ثروت فراوانی را جذب و صرف باییت کند.^۲
۲. مستخدمان و سردمداران سفارت روس، باب را از دست مأموران نجات دادند تا فرار کند یا به روسیه بپیوندد.^۳
۳. هنگام اعدام باب و یارانش، کنسول روسیه از اعدامیان، نقاشی تهیه کرد و جسد باب را نیز پنهان کردند.^۴
۴. محمد علی حجت زنجانی که شورش بابیه را در زنجان راه انداخت مورد شفاعت وزرای دولت‌های خارجه قرار گرفت.^۵
۵. گزارش دالگورکی (سفیر روسیه) و ابراز خوشحالی او از منازعات بابیه با علمای اسلام.^۶
۶. سفیر روسیه از تسلیم حضرت بهاء الله به نمایندگان شاه امتناع ورزید. ضمناً از شخص وزیر به طور رسمی و صریح خواستار گردید که در حفظ و حراست ودیعه پر بهایی که دولت روس به وی می‌سپارد، بکوشد.^۷
- این گونه عوامل مختلف سیاسی - اجتماعی، مردم را برای پذیرش یک مدعی نجات آماده می‌کند.

و. شیوه حذف رقیب و عالم ستیزی

تاکنون از عوامل و علل و ترفندهایی سخن گفته شد که به جنبه داخلی فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی یا ضعف و خلل‌هایی مربوط است که در برخی از مردم وجود دارد؛ اما در مورد این عنوان باید گفت که مسئله حذف رقیب و جایگزینی خود که در عالم ستیزی و بسیاری از جریان‌های انحرافی اتفاق افتاده است؛ در واقع عنوانی در عرض علل و بسترهای جذب است که تاکنون ذکر

۱. افندی، قرن بدیع، ج ۱ ص ۱۱۵.

۲. همان، ج ۱، ص ۱۱۴.

۳. آیتی، الکوآکب الدریه فی مآثر البهائیه، ج ۱، ص ۲۸۴.

۴. همو، الکوآکب الذریة، ج ۱، ص ۲۴۹.

۵. کاشانی، نقطه الکاف، ص ۲۳۳.

۶. نجفی، بهاییان، ص ۵۱۴.

۷. افندی، قرن بدیع، ج ۱، ص ۲۱۷ - ۳۱۹؛ ایام تسعه / ۳۸۷ و تلخیص تاریخ نبیل زرنندی / ۶۳۰.

شده است؛ به دلیل آن که در مسئله دین و خصوصاً در موضوع خاص مهدویت، مقوله «تولاً» و تمسک و اتکا به معصوم و نیز تقلید و تبعیت از عالمان در دوران غیبت جایگاه ویژه‌ای دارد، از این رو، جریان‌های انحرافی همواره به دنبال حذف این رقیب قوی و جانمایی خود در حد اوصاف و شرایط مذکور پرداخته‌اند تا علاوه بر این که مردم از منبع قابل اتکا در دوران غیبت محروم شوند، به ناچار به پناه آوردن به اقطاب و سران جریان‌های انحرافی، روی آوردند و نیز به نوعی بی معیاری و اباحی گری کشانده شوند؛ زیرا برخلاف جریان فقاقت و علم در فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی حالت سیال و ضوابط غیرمنطقی بسیار مشاهده می‌شود و این، بدان دلیل است تا بتوانند ضمن جذب مردم از طریق شهوات و اغراض نفسانی، به آن‌ها احساس معنویت کاذب داد و نیازهای معنوی آن‌ها را به صورت ظاهری اشباع کرد تا احساس خلأیی در آن‌ها به وجود نیاید و در عین حال، مطیع تام آن اقطاب و سران باشند.

چرچیل (دبیر امور شرقی سفارت انگلیسی) در گزارش خود به لندن در جریان مشروطه، با اشاره به کشتار جمعی از فرقه ضاله بهائیت در اصفهان در ۱۳۰۷ هجری، آن را به دستور محمد علی تقی نجفی (آقا نجفی) بر می‌شمارد و لذا ایشان (آقا نجفی) را به تهران فرا می‌خوانند، گزارش چرچیل نشان می‌دهد که استعمارگران انگلیس نگران فروش نرفتن کالاهای خود در ایران بوده؛ لذا خواسته‌اند با تخریب علما و نفی شرکت اسلامی (تأسیس شده توسط علما)، به تقویت فرق ضاله و نجات خود از کاهش سود اقتصادی اقدام کنند.^۱

روشن است که عالمان دینی، عامل مهم روشنگری و تبیین اعتقادات و فرهنگ صحیح انتظار و مهدویت هستند و تخریب آن‌ها در عرصه فیزیکی و نیز ترور شخصیت، گامی است به منظور خالی کردن میدان مرجعیت معنوی و عرفانی برای جریان‌های انحرافی تا مردم به سمت آنان گرایش یابند.

۱. تأسیس شرکت اسلامی، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۸۶۰، ۴/۵/۱۳۸۶.

نتیجه گیری

فرقه‌ها و جریان‌های انحرافی، از خلل‌ها و مولفه‌های آسیب‌پذیر فرهنگ عمومی جامعه و نیز نقاط ضعف اجتماعی و اقتصادی استفاده می‌کنند و این باعث می‌شود برخی از مردم که به دنبال راه‌های سهل‌الوصول معنوی هستند، جذب آنان شوند؛ خصوصا در دوره معاصر با استفاده از فضای مجازی و رسانه‌ای، فرقه‌ها توانسته‌اند نسخه‌های بدلی و جعلی از مهدویت و نیابت و بابیت ارائه و گروهی را به سوی خود جذب کنند. نتیجه مهم این نوشتار آن است که باید در یک منظومه چند ضلعی مراقب متون دینی، تبلیغات جریان‌های انحرافی و روش‌ها و توطئه‌ها و ترفندهای آنان و نیز نقشه‌های استعماری سران کفر باشیم و در مواجهه با هر کدام، شیوه متناسب اتخاذ کنیم.

منابع

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، چاپ سوم، به نشر، تهران ۱۴۰۳.

۱. اسحاقیان درچه، جواد، **پیچک انحراف**، مرکز تخصصی مهدویت، قم، ۱۳۸۹.
۲. اعتضاد السلطنه، علی قلی میرزا، **فتنه باب**، با تصحیح عبدالحسین نوایی، سوم، بابک، ۱۳۳۱.
۳. افندی، شوقی، **کتاب قرن بدیع**، موسسه ملی مطبوعات امری، بی جا، ۱۲۵ بدیع.
۴. آیتی، عبدالحسین (آواره)، **کواکب الدریة فی مآثر البهائیه**، مطبه السعاده مصر، ۱۳۴۲ق.
۵. **تأسیس شرکت اسلامیة**، علی ابو الحسنی منذر، روزنامه کیهان، شماره ۱۸۸۶۰، ۴ مرداد ۱۳۸۶.
۶. جعفریان، رسول، **مهدیان دروغین**، نشر علم، تهران، ۱۴۰۰.
۷. جمعی از نویسندگان، **کژراهه: گزارشهایی از فرقه‌های نوپدید و عرفانهای دروغین**، موسسه جام جم، تهران، ۱۳۹۰.
۸. چلونگر، محمدعلی، «**خاورشناسان و نگاه تاریخیگری و پدیدارشناسانه به مبانی اعتقادی تشیع**»، دیدگاه‌ها درباره خاورشناسان، چاپ دوم، خاکریز، قم، ۱۳۸۸.
۹. **خاطرات سیاسی کینیز دالگورکی در ایران**، مصحح: عبد العلی یاسینی نسب، انتشارات صبور، قم، ۱۳۸۲.
۱۰. سلیمان ظاهر العاملی، **القادیانیه**، محقق: محمد حسن طالقانی، غدیر، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۱. شریفی دوست، حمزه، **کاوشی در معنویت‌های نوظهور: بررسی ده جریان فعال در ایران**، نشر معارف، قم، ۱۳۹۲.
۱۲. طاهری، محمدعلی، **انسان از منظری دیگر**، انتشارات عرفان کیهانی، بی جا، ۱۳۸۸.
۱۳. _____، **مدیریت کل نگر**، بی جا، بی نا، ۱۳۹۱.
۱۴. _____، **عرفان کیهانی (حلقه)**، الف، انتشارات اندیشه ماندگار، قم، ۱۳۸۸.
۱۵. _____، **انسان از منظری دیگر**، انتشارات عرفان کیهانی، بی جا، ۱۳۸۸.
۱۶. عرفان، امیر محسن، **بازخوانی عوامل پیدایش مدعیان دروغین مهدویت و گرایش مردم به آنان**، انتظار موعود، دوره ۹ شماره ۳۰، قم، ۱۳۸۸.
۱۷. فرید گلیایگانی، حسن، **مفتاح باب‌الابواب**، تهران، بی نا، ۱۳۳۴.

۱۸. الاهی ظهیر، احسان، **القادیانیہ**، دراسات و تحلیل، اول، پاکستان، ۱۳۸۷.
۱۹. کاتوزیان، محمدعلی (همایون)، **اقتصاد سیاسی ایران**، ترجمه: محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۳.
۲۰. کاشانی، میرزا جانی، **نقطه الکاف**، با مقدمه ادوارد براون، مطبعه بریل لیدن هلاند، ۱۳۲۸ق.
۲۱. کلینی، محمد بن یعقوب، **الکافی**، تحقیق علی اکبر غفاری، دارالاضواء، بیروت، ۱۴۰۵ق.
۲۲. موسسه فرهنگی انتظار نور، نشست ۵۹، **سخنرانی دکتر برهانی**، بررسی خلق و خوی مدعیان، ۱۳۸۶.
۲۳. نجفی، محمدباقر، **بهاییان**، اول، مشعر، تهران، ۱۳۸۳.

پایگاه‌های اینترنتی فرق و جریان‌ها:

۱. بصری، احد اسماعیل، ۱۴ اسفند ۱۳۹۷، **تطابق کلام اهل بیت پیامبر (علیهم‌السلام) با نظریه‌های علم حدیث و علم مدرن**، سایت رسمی وارثین ملکوت: <https://varesin.org>
۲. بصری، احمد اسماعیل، ۱۸ مهر ۱۴۰۲، **دلایل ژنتیکی تکامل**، <https://almahdyoon.co>
۳. محمد الیمانی، ناصر، **راز افزایش دما**، ۲۰ مرداد ۱۴۰۲: راز افزایش دما، امام مهدی ناصر محمد الیمانی، کانال رسمی در یوتیوب:
https://www.youtube.com/channel/UCBn2LWle9_nqyJesG7P4_Xw
۴. نویسندگان، **مقاله مختصری از تاریخ آیین بهایی**، بیت العدل اعظم، سایت رسمی بهاییان ایران، <https://www.bahaisofiran.org>